



بررسی و تحلیل رفتارهای ایدئولوژیک قهرمان در مقامات حریری بر اساس مربع ایدئولوژیک ون‌دایک رحمت‌اله ولدییگی^۱

مربی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۱

چکیده

مقامات حریری که در خلال سال‌های ۴۹۵ تا ۵۰۴ ه.ق نوشته شده، مرکب از پنجاه مقامه است. موضوع اصلی آن، شرح در یوزگی «ابوزید سروجی» با چرب‌زبانی و حیل‌گری است؛ اما مؤلف در لابه‌لای متن به موضوعات دیگری مانند: پرهیز از دنیاپرستی و تشویق به نیکوکاری که سویه متضادی با حیل و تملق دارند، توجه داشته و با سحر بیان به عرضه صنایع بدیعی و بازی‌های لفظی، پرداخته‌است. این مقاله سعی دارد تا رفتارهای ایدئولوژیک قهرمان (ابوزید سروجی) را بر اساس مربع ایدئولوژیک ون‌دایک، که در زیر بخش رویکرد تحلیل گفتمان اجتماعی - شناختی قرار دارد، با هدف تبیین ایدئولوژی در دایره گفتمان، به روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها، جهت رسیدن به پاسخ پرسش‌های تحقیق و اثبات یا رد فرضیه‌ها بررسی کند. در این راستا در پنجاه مقامه مورد نظر که جامعه آماری این تحقیق را در بر می‌گیرد، رفتارهای ایدئولوژیک قهرمان، در ساختاری نظام‌مند، بر پایه «توصیف ظاهری قهرمان»، «ترندهای بیانی او»، «محتوای بیانی»، «عمل گفتمانی» و «عملکردهای متضاد»، رصد و بررسی شده‌است و نتایج حاصله این است که قهرمان، بیان گفتمانی‌اش ساحرانه - با محتوای متناقض اندرز و اغوا - در جهت رسیدن به خواسته (گدایی، افشاگری حاکمان و روشنگری عامه مردم) با تأکید بر صفات مثبت خودی و صفات منفی دیگری است. تجمیع این ویژگی‌های گفتمانی، رفتارهای قهرمان را در هر مقامه متضاد و دوگانه (نیم‌خوب، نیم‌بد) نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که گفتمان فقر و گدایی و افشای بی‌توجهی حاکمان وقت به رفاه عمومی و اصحاب فرهنگ را برای خواننده ترسیم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: مقامات حریری، مؤلفه‌های رفتاری قهرمان، نظریه مربع ایدئولوژیک، ابوزید سروجی.

¹ Email: hmat5685@gmail.com





The Hero's Ideological acts in “*Maqamat-e-Hariri*” in light of Van Dijk's Ideological Square

Rahmatullah Valadbeigi¹

Lecturer of Persian Literature, University of Farhangian Kermanshah

Received: 2019/11/5 | Accepted: 2020/5/10

Abstract

Maqamat-e-Hariri (495-504) includes 50 *maqamah*. It mainly reports Abuzeid Sarooji's beggary using flattery and trickery. However, the author has raised other issues like abstaining from worldliness and encouraging beneficence dexterously using figurative language and devices for eloquence. Relying on Van Dijk's "ideological square", the present article investigates the ideological acts of the hero to explain discourse-based ideology. In fifty *maqamas*, the hero's ideological acts are analyzed in a systematic way based on "the hero's appearance", "form and content of speech", and "contradictory acts". It is concluded that the hero's discourse is magical with contradictory contents of advice and seduction aiming at fulfilling his wishes (beggary, enlightening people, and exposing the rulers), and focusing on positive traits of self while concentrating on negative qualities of the other. These discursive features, in each *maqamai*, introduce the hero's acts as contradictory (half good, half bad) portraying the discourses of poverty, beggary and the ruler's ignorance of the grassroots' welfare and their disregard of the cultured.

Key Words: *Maqamat-e-Hariri*, The hero's acts, ideological square, Abuzeid Sarooji

¹ Email: rahmat5685@gmail.com



۱. مقدمه

در این مقاله سعی بر این است که رفتارهای ایدئولوژیک قهرمان (ابوزید سروچی) در ترجمه کتاب مقامات، بر اساس مربع مفهومی ایدئولوژیک ون دایک (van Dijk) تحلیل شود. رویکرد ون دایک به دلیل داشتن فرم و محدوده مشخص و بررسی رفتارهای کارکردی، بیش تر لایه‌های زیرین متن را آشکار می کند تا خواننده به پیام گفتمانی متن در قالب تبیین ایدئولوژی برسد؛ زیرا «ایدئولوژی‌ها به معنای دقیق کلمه و عمدتاً نه به صورت خاصی از رفتار یا کنش، بلکه با مجموعه‌ای از رفتارها از رهگذر گفتمان کسب می شوند» (ون دایک، ۱۳۹۴: ۴۶). این پیش درآمد، زمینه‌ای است برای طرح پرسش‌های تحقیق با این عنوان که شیوه راوی در تبیین رفتارهای ایدئولوژیک قهرمان در متن مقامات چگونه است؟ و هدف راوی از انتخاب چنین بیانی در متن چه بوده است؟ و فرضیاتی که بر این پرسش‌ها مترتب است، عبارتند از:

۱. راوی در قالب ترسیم ظاهری (بدل پوشی)، محتوای بیانی و عمل گفتمانی و تضادهای رفتاری که در لایه‌های پنهان متن و در دل بسامد پند و اندرز ریاکارانه و گفتار و گزاره‌های ادیبانه و توسل به حيله و فریب قرار گرفته، توانسته رفتارهای ایدئولوژیک را در متن مقامات ایجاد کند.

۲. هدف راوی از انتخاب چنین بیانی در متن، علاوه بر نشان دادن قدرت و تبحر زبانی، تبیین گفتمان فقر و گدایی و بی توجهی حاکمان وقت به فرهنگ و رفاه عمومی در عصر مربوط به خود است.

در باب ضرورت تحقیق می توان گفت که پژوهش‌های مقامه‌ای به طور عام و مقامات حریری به طور خاص، کم نیست و جستجو در یافته‌های این آثار، راه را پیش روی این پژوهش هموار نموده است؛ اما تا آنجا که نگارنده جویا شده است، هیچ کدام از آن پژوهش‌ها، متن مقامات را به شکل تطبیقی و تحلیلی از نقطه نظری که در این مقاله بدان پرداخته می شود، بررسی و ارزیابی نکرده اند؛ زیرا خروجی این مقاله می تواند سندی باشد بر اثبات این موضوع که مقامات حریری، سخنان یاوه برای سرگرمی عموم نیست؛ بلکه

گفتمان افشای بی‌توجهی حاکمان وقت به رفاه عمومی و اصحاب فرهنگ است که حریری این گفتمان را در رفتارهای قهرمانی به نام ابوزید سروجی با ترسیم رفتارهای ایدئولوژیکِ نوعاً متضاد (نیم‌خوب، نیم‌بد) نشان داده‌است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

عموماً هر پژوهشی با تکیه بر نظریه یا نظریات مستقل، در پی اثبات یا ردّ فرضیه یا فرضیه‌های است که بدون تحقیقات پیشین تقریباً غیر ممکن است. در این باب باید گفت که هر چند نظریه‌ون‌دایک بیشتر در تحلیل متون و آثار غیر ادبی استفاده شده‌است، اما مقالات و کتاب‌های فراوانی درباره‌ گفتمان، ایدئولوژی و راه‌کارهای عملی این گونه از پژوهش‌ها، انجام گرفته‌است که به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

آقاگل زاده (۱۳۹۱) در مقاله «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی» به شکل عملی با بررسی عناوین روزنامه‌ها تلاش داشته‌است تا اثبات کند که همه متون می‌توانند به صورت بالقوه متشکل از ساخت‌های ایدئولوژیک دارای معنایی بیش از صورت‌های زبانی باشند. حامدی شیروانی و زرقانی (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل داستان رستم و شغاد بر اساس مربع ایدئولوژیک ون‌دایک» نشان داده‌اند که تدوین کنندگان روایت شغاد، با بهره‌گیری از گفتمان‌شناختی، «خودی» را برتر از «دیگری» دانسته‌اند. نرماشیری (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل گفتمان جدال سعدی با مدعی بر اساس رویکرد ایدئولوژی شناختی استعاری» ادعا دارد که رابطه‌ای پیوسته و معنادار بین استعاره‌ها و ایدئولوژی در متن ادبی مورد نظر وجود دارد و چون استعاره همیشه نیم‌پنهان است، گاهی به شکل تعارض و تضاد در دل ایدئولوژی خود را نشان می‌دهد. شهری (۱۳۹۱) در مقاله «پیوند میان استعاره و ایدئولوژی» با بررسی زبان‌ها و نظام‌های حکومتی، شبکه ارتباطی مدل‌سازی، پنهان‌سازی، استعاره‌سازی، عاطفی‌سازی، طنزآفرینی را با ارائه نمونه‌های کوتاه، ترسیم کرده‌است. ترکاشوند (۱۳۹۵) در مقاله «کاربرد تحلیل گفتمان انتقادی در ترجمه از عربی به فارسی» به روش استنادی-تحلیلی، کاربرد رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در ترجمه متون عربی به فارسی را تبیین کرده و تأکید داشته‌است که

گفتمان در ساماندهی ترجمه نقش دارد و ایدئولوژی موجود در ترجمه را آشکار می‌کند. یارمحمدی (۱۳۷۹) در مقاله «بهره‌گیری مترجم از تحلیل گفتمان» به مقوله تأثیر گفتمان بر ترجمه و تأثیر ترجمه بر ایدئولوژی پرداخته‌اند. گرچه همه این تحقیقات به شکل کلی به مبحث ایدئولوژی و ترجمه اشاراتی داشته‌اند، اما هیچ کدام بر اساس شواهد، به تطبیق و تحلیل این موضوع در متن اصلی و ترجمه نپرداخته‌اند. پژوهش حاضر منحصرأ و مستنداً به این مهم توجه تام داشته است.

۲-۱. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌هاست. ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مبانی نظری تبیین می‌شود؛ به دنبال آن، با تطبیق داده‌های آماری برگرفته از متن مقامات حریری (متغیر وابسته) با مبانی نظری متغیر مستقل (مربع ایدئولوژی ون‌دایک)، تلاش می‌کند که درستی یا نادرستی فرضیه‌ها را کشف و اثبات کند. در پایان، بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌ساز در متن (ترجمه) با ساختار مربع مفهومی برای تبیین رفتارهای ایدئولوژیک قهرمان، جهت رسیدن به میزان درستی یا نادرستی فرضیه‌ها در قالب جداول و نمودارها، اندازه‌گیری، ثبت، تجزیه و تحلیل خواهد شد تا در بخش نتیجه‌گیری گزارش شود.

۲. مبانی نظری

در این بخش، در نظر داریم تا اصطلاحات گفتمان، تحلیل گفتمان اجتماعی - شناختی، مربع ایدئولوژیک، ایدئولوژی و مقامات و ساختار ایدئولوژیک گفتمانی آن را به عنوان کلیت متغیر مستقل تبیین نماییم.

۲-۱. گفتمان و تحلیل گفتمان

در تبیین مبانی نظری برای جلوگیری از اشتباه شایع، در آغاز باید بین مفهوم گفتمان به عنوان موضوعی خاص و گفت‌وگو که موضوعی عام است، تفاوت قائل شد.

گفت و گو، جریانی روزمره در پیکره زندگی است؛ درحالی که مفهوم گفتمان به ضرورت و برای بررسی، تبیین و شناخت موضوعی خاص بین گروه‌های مشخص جریان می‌یابد و فراتر از آن، باید خاستگاه این مفهوم را در «چرخش استعلایی فلسفه جدید» دنبال کرد؛ زیرا مفهوم گفتمان در بسیاری از رشته‌ها - از زبان گرفته تا فلسفه - به عنوان رویکردی شناختی، می‌تواند جزئی از امکانات شناخت فلسفی یا فهم محض موضوع باشد و چرخش استعلایی فلسفه جدید به معنای ایجاد شرایط و امکانات برای شناخت بهتر و بیشتر است.

گفتمان (Discourse)، اصطلاحی زبان‌شناختی است که «اولین بار زلیگ هریس این اصطلاح را به کار برد» (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲) و در دهه ۶۰ میلادی به سرعت در علوم انسانی کاربردی وسیع یافت. گفتمان در مفهوم منطقی-فلسفی آن، به معنای دلیل‌آوری و بازتاب روش‌مند و کنترل‌شده در تحلیل است. «تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) به معنای سخن‌کاوی است و تحلیل کلام، به عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای از نیمه ۱۹۶۰ تا نیمه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی - معرفتی در شاخه‌هایی چون: نشانه‌شناسی، جامعه‌شناسی، شعر، معانی و بیان، ظهور کرده است» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷). پیروان این رویکرد اختصاصاً ادبیات را سرشار از اظهارات فراواقع می‌دانند که «حقیقت در پشت آن‌ها نهفته است و این اثر ادبی است که با انعکاس نظام‌های رفتاری و اجتماعی، سند تاریخی به شمار می‌آید و می‌توان آن را تاریخ فعال به شمار آورد» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۳۱). تحلیل گفتمان می‌تواند این اسناد را به شکل انتقادی، تحلیل و بازسازی و تفسیر نماید.

۲-۲. تحلیل گفتمان اجتماعی - شناختی الگوی ون‌دایک با تکیه بر مربع ایدئولوژیک

در رویکرد «تئون‌ای. ون‌دایک» (۱۹۴۳) که به تحلیل گفتمان اجتماعی - شناختی (Socio - Cognitive Discourse Analysis) مشهور است، مثلثی به نام «جامعه، شناخت، گفتمان» وجود دارد که از طریق مطالعه متن، نشانه‌های اجتماعی در آن هویدا می‌شود و شناخت متن و نشانه‌ها، بستر ایجاد گفتمان را ایجاد می‌کند. «نشانه‌ها می‌تواند رفتارها، عقاید، اهداف، ارزیابی‌ها، احساسات و بازنمودهای ذهنی باشد» (Van Dijk, 2001: 97). این

زبان‌شناس هلندی به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان حوزه تحلیل گفتمان انتقادی (C.D.A) مطالعاتش را بیش‌تر به بخش ایدئولوژی، نژادپرستی و قدرت در بافت متون مطبوعاتی معطوف کرده‌است. او به کمک این مطالعات توانسته‌است در سال ۱۹۹۹ به عنوان استاد افتخاری در دانشگاه «پامپوفا برا بارسلونا» به تدریس مشغول باشد و در حوزه تحقیقات زبان‌شناسانه خود به مدلی به نام مربع ایدئولوژیک (Ideological Square) برسد که بر چهار رکن استوار است. «مربع مفهومی ایدئولوژیک عبارت است از: ۱) روی نکات مثبت ما (خودی) تأکید کنید؛ ۲) روی نکات منفی آن‌ها (دیگری) تأکید کنید؛ ۳) روی نکات منفی ما (خودی) تأکید نکنید؛ ۴) روی نکات مثبت آن‌ها (دیگری) تأکید نکنید» (ون‌دایک، ۱۳۹۴: ۶۰). این چهار رکن به طور کلی حول دو محور می‌چرخد: «۱) توصیف مثبت خودی ۲) توصیف منفی دیگری» (Van Dijk, 1995: 143) که رفتارهای مربوط به این محورها، از طریق نشانه‌های متنی - زبانی در مربع ایدئولوژیک متجلی می‌شود و به قرار زیر است:

«۱) تمهیدات بلاغی (Rhetorical Figures) که بیشتر در قالب توصیف و اغراق برای بزرگ‌نمایی خوبی خود و بدی دیگران به کار می‌رود. ۲) گزینش واژگان (Lexical Style) که وجه مثبت خودی و منفی دیگری موجود در متن را بیان می‌کند. ۳) کمیّت بیانی کنش‌های رفتارهای مثبت خودی و منفی دیگری در قالب حذف، تقدم، تأخر فاعل یا مفعول و... که برای تأثیر بیش‌تر بر مخاطب است» (Ibid, 1993: 265).

نمونه برای تمهیدات بلاغی از نوع توصیف: وَ انظُرُوا اِلَى مَنْ كَانَ ذَا نَدِيٍّ وَ نَدِيٍّ وَ جَدَّةٍ وَ جَدًّا وَ عَقَارٍ وَ قُرِيٍّ وَ مَقَارٍ وَ قَرِيٍّ... (حریری، ۱۳۶۳: ۲۸). حضور مؤثر جنبه توصیفی در مقامات حریری علاوه بر روانی و شفافیت کلام، سبب افزایش قدرت توجیه‌گری و اقناع مخاطب و عینی‌گرایی جامعه متن شده‌است.

نمونه برای گزینش واژگان از نوع تضاد: وَسَرَّتْ مَكْرَهُ وَ اِنْ لَمْ يَكُنْ يُخِيْلُ... (همان: ۲۸). تقابل‌ها و تعارض‌ها، ایدئولوژی و جهان‌بینی قهرمان را در قالب تضادهای ایدئولوژیک، روشن می‌سازند و به متن مقامات قابلیت تصدیق‌پذیری یا انکار‌گرایی می‌دهند.

نمونه برای کمیّت بیانی از نوع حذف: لَيْقَنَعُ بِلْفَطَاتِ الْمَوَائِدِ وَ [لَيْقَنَعُ] نُفَاضَاتِ الْمَزَاوِدِ. (همان: ۱۳۰). می‌توان گفت که در مقامات حریری نحوه بیان کنش‌های رفتاری مثبت خودی و منفی دیگری، نوعی موقعیت نامتعادل را در شکل‌گیری ایدئولوژی ایجاد کرده‌است. از طرف دیگر چون «ایدئولوژی مجموعه‌ای از نگرش‌ها و علائق شخصی است که جایگاه فرد را در رابطه با جهان بیرون رقم می‌زند» (مارتین، ۱۳۸۲: ۱۱۰)، بیان این علائق و نگرش‌ها با استفاده از نحوِ روایی ویژه که نویسنده برای تأثیرگذاری بیشتر از آن استفاده می‌کند، وضوح ایدئولوژی را بیشتر می‌کند. او (ابوزید) با استفاده از شیوه‌های گفت‌وگو و مباحثه، ذهن مخاطب را با سؤالات خود درگیر می‌کند و با موعظه و سخنرانی به بیان باورها و ایدئولوژی‌های ذهنی و یا قوانین و احکام اجتماعی می‌پردازد تا بتواند مخاطب یا شخصیت‌های مقابل و فرعی داستان را درباره مسأله‌ای قانع کند، بفریبد و درپوزگی کند.

این مفاهیم نشان‌دهنده این است که گفتمان و ساختار ایدئولوژیک در قالب ذهن - زبان - رفتار، می‌تواند به شیوه‌های مختلفی اظهار شود. بنابراین داشتن روشی علمی و اکتشافی برای تشخیص نوع رفتار و اهداف مورد نظر، ضروری و مفید است که یکی از این شیوه‌ها، الگوی ون‌دایک با تکیه بر درک مفاهیم بنیادی ایدئولوژی است.

۲-۳. ایدئولوژی

ایدئولوژی یکی از مفاهیم رازآلودی است که تفکر غرب در ابتدای قرن نوزدهم به آن پی‌برده و برای نخستین بار دستوت‌دوتراسی (Destutt de Tracy) در پایان قرن هجدهم، این اصطلاح را در کتاب «عناصر ایدئولوژی» به کار برد و در پایان نیمه اول قرن نوزدهم، مارکس (Marx) و انگلس (Engels) در کتاب «ایدئولوژی آلمانی» به شکل تحقیر آمیزی با این واژه برخورد کردند. پس از مارکس که از سر تحقیر «ایدئولوژی را به معنای دیدگاهی می‌داند که مردم طبق آن، جهان را معنا می‌کنند و شاید ناگزیر ربطی به واقعیت هم نداشته باشد» (آشوری، ۱۳۸۰: ۴۴)، این دیدگاه مفهومی انتقادی پیدا کرد و «به دو سنت مارکسیستی و غیر مارکسیستی تبدیل شد و اندیشمندانی مانند: مانهایم

(Mannheim)، گرامشویی (Gramsci)، آدورنو (Adorno)، پارسونز (Parsons)، شیلز (Shils)، گیرتز (Geertz)، بوردیو (Bourdieu)، لاکان (Lacan)، آلتوسر (Althusser)، جیمسون (Jameson)، هابرماس (Habermas)، ژیزک (Zizek)، فرکلاف (Fairclough) و... با رویکرد معرفت‌شناختی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و حتی فرهنگ‌شناختی آن را تحلیل کردند. حتی متفکرانی مثل دورکیم (Durkheim)، وبر (Weber) و باره‌تو (Pareto) به دلیل مارکسیستی بودن این واژه، از به کار بردن آن ابا داشتند و به شکل دیگری درباره ایدئولوژی سخن گفتند و به تشریح آن در کنار مفاهیم ذهنی - عقلی پرداخته‌اند (مکاریک، ۱۳۸۳: ۴۳) تا بتوانند بین گفتمان و ایدئولوژی رابطه‌ای ایجاد کنند. گفتمان اغلب توسط زبان بیان می‌شود و «زبان و گفتمان از کردارهای اجتماعی مهمی هستند که از ایدئولوژی تأثیر می‌پذیرند» (ون‌دایک، ۱۳۹۴: ۱۵). ایدئولوژی‌ها نیز درباره باورهای اجتماعی مشترک، طبقات اجتماعی، فاکتورهای فقر و غنا، حکام یا مردم عادی، چگونگی توزیع ثروت و... بحث می‌کنند و چون متشکل از باورهای اجتماعی مشترک هستند، می‌توانند به شکل خودزیست‌نامه‌ها یا دردهای مشترک ابراز شوند؛ زیرا «بعد ایدئولوژیک گفتمان عمومی از طریق رفتارهای سازمان یافته و هدفمند و ابعاد تلفیقی مختلف، شکل می‌گیرد» (همان: ۴۶) و بستر بیانی همه این موارد بافت‌های متنی است که باید به آن پرداخته شود.

۲-۴. کلیاتی در باب مقامه و مقامات حریری

«مقامه در زبان عربی از «قام» «يقوم» گرفته شده و به مجالسی اطلاق می‌شده که گوینده در حال ایستادن، سخن خود را در پوششی از صنایع لفظی ارائه نموده‌است. از نظر تاریخی، مقامه را می‌توان در اشعار جاهلی عرب جستجو کرد. در دوره اسلامی، زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس واژه مقامه به معنی مجلسی به کار رفته که در آن شخصی در برابر خلیفه یا شخص دیگر ایستاده و به منظور وعظ، سخن گفته‌است. به تدریج این واژه به معنی سخنرانی، تحول معنایی یافته و در قرن سوم به استغاثه‌گدایان و سؤال نیازمندان که غالباً مسجع بوده، اطلاق شده‌است (ابراهیمی حریری، ۱۳۴۶: ۶). نیز گفته‌اند که «مقامه در

لغت به معنای جای ایستادن، مجلس، محل اجتماع قبیله و جای ماندن است و در اصطلاح نوعی داستان کوتاه به نثر فنی و مصنوع آمیخته با شعر و امثال و آراسته به اقسام صنایع لفظی است که غالباً جنبه فکاهی داشته و در مجلسی و انجمنی خوانده شده است. این داستان‌ها معمولاً دو شخصیت ممتاز دارند که یکی قهرمان اصلی و دیگری راوی است» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۲۶۱). اما اکنون مقامات به عنوان متنی با توانایی زبانی و فرازبانی قابل توجه در ادبیات عربی و فارسی محسوب می‌شود که یکی از این کتب، مقامات حریری از ابومحمد قاسم بن محمد بن عثمان حریری حرامی است. «او از ادبا و لغویان مشهور ایرانی نژاد قرن پنجم است که به سال ۴۴۶ در قریه «المشان» نزدیک بصره به دنیا آمد. حریری پس از آموختن علوم دینی و ادبی، مورد توجه بزرگان قرار گرفت و به شغل دیوانی، یعنی «صاحب‌خبری» در بصره منصوب شد و پس از آن که عمری را در اشتهار و ثروت و عزت سپری کرد؛ سرانجام در ۶ رجب سال ۵۱۶ ه. ق در گذشت» (حریری، ۱۳۶۳: ۹).

مقامات حریری که در خلال سال‌های ۴۹۵ تا ۵۰۴ ه. ق نوشته شد، مرکب از پنجاه مقامه است. نویسنده از انگیزه خود در نوشتن این کتاب، صریحاً چیزی نگفته جز این که در مقدمه، اشاره‌ای مبهم داشته است: «اشارت کرد آن کس که اشارت او حکم باشد و طاعت او غنیمت که انشا کنم مقاماتی از پی بدیع همدانی...» (همان: ۳). موضوع اصلی مقامات حریری شرح در یوزگی «ابوزید سروجی» با چرب‌زبانی و حيله‌گری است اما مؤلف در لابه لای مقامات به موضوعات دیگری مانند: پرهیز از دنیاپرستی و تشویق به نیکوکاری هم پرداخته است. ضمن این که با استفاده از سحر بیان، تصویری از جامعه زمان خود ترسیم کرده و از آنجا که یکی از اغراض تألیف مقامات، آموزش زبان و لغت و ادب بوده است، این کتاب نیز به میدانی برای عرضه لغات شاذ و نادر و صنایع بدیعی و بازی‌های لفظی در آمده و حریری در این عرصه طبع آزمایی کرده است.

۲-۵. ساختار ایدئولوژیک گفتمان در مقامات حریری

در مطالعات زبان - رفتار، بایستی بر علل ایجاد و ساختارهای گفتمانی در متن یا گزاره‌ها تکیه شود؛ زیرا زبان به انحاء مختلف و در سطوح متفاوت، حامل ایدئولوژی است

و باید گفت که «تمامی گفتمان‌ها اساساً پذیرای بار ایدئولوژیک‌اند؛ اما همه آن‌ها به یک اندازه بار ایدئولوژیک ندارند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۲) و ایدئولوژی به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های گفتمان، دارای ساختار نظام‌مندی است که عبارتند از:

۱) عوامل معناساز در ایدئولوژی: با توجه به این که محتوای ایدئولوژیکی به صورت مستقیم در معنای گفتمان ظاهر می‌شود، ضرورتاً باید به عوامل معناساز در ساختار ایدئولوژیکی گفتمان توجه داشته باشیم که عبارتند از:

الف) عنوان: «گفتمان محدود به واژه‌ها و جمله‌های متن نیست؛ بلکه از عنوان شروع می‌شود» (ون دایک، ۱۳۹۴: ۶۱). عنوان مقامه به معنای خطبه و سخنرانی، گفتمانی و ایدئولوژیکی است.

ب) توصیف جزئیات: ذکر موضوعات جزئی در یک متن، واژه‌ها را برای تولید بار ایدئولوژیکی آماده می‌کند؛ شاهد متن: «...در شبی که پوست آن دو رنگ داشت و ماه آن مانند تعویذی از جنس نقره بود...» (حریری، ۱۳۸۷: ۹۳).

ج) تلویح (حذف) و فرض: «تلویح در جمله می‌تواند ابزاری قوی برای مطالعه انتقادی به حساب آید» (ون دایک، ۱۳۹۴: ۶۳)؛ زیرا «ایدئولوژی‌ها نیز عمدتاً در ناگفته‌ها (گزاره‌های تلویحی) جای دارند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱)؛ شاهد متن: «حارث بن همام گفت: [در این هنگام بود که] به خاطر [آگاهی از] فقر و نیازهایش، [به حال او] دلسوزی کردم...» (حریری، ۱۳۸۷: ۸۲).

د) پیوستگی: رابطه بین گزاره‌ها در یک زنجیره گفتمانی همان پیوستگی است؛ شاهد متن: «...مانند سکوت کسی که درمانده و مغلوب شده و از سخن گفتن باز مانده باشد؛ ساکت شد...» (همان: ۳۲۸). (پیوستگی اضافی از نوع تشبیه).

ه) تقابل: تضاد گفتمانی و نزاع و رقابت‌های اجتماعی (ما) و (آن‌ها) به صورت تکراری است که در مقامات حریری، ابوزید به عنوان نماینده «ما» خود را در تقابل «آن‌ها» (بی‌توجهان به فرهنگ و معیشت مردم) قرار می‌دهد.

و) تکذیب: تکذیب، یک ترند معناسازی است که به صورت عذرخواهی، انتقاد،

سرزنش و... ظاهر می‌گردد؛ شاهد متن: «قاضی: چرا همسرت را آزار می‌دهی؟ ابوزید: فریب دادن زنان پاک‌دامن در خلق و خوی من نیست...» (همان: ۱۲۷).

۲) ساختار گزاره‌ای در ایدئولوژی: ترکیبات و گزاره‌هایی است که در راستای توضیح و پاسخ به پرسش‌های مربوط به بندهای ایدئولوژیکی در متن می‌آید و از موارد ذیل تشکیل می‌شود:

الف) کنش‌گران: عوامل، پذیرنده‌ها و بهره‌وران در ذیل کنش‌گران قرار دارند که در مقامات حریری راوی، قهرمان واحد و حضار در مجلس (مقامه) کنش‌گران هستند. ب) وجه کلام: ترکیبات مختلفی همچون (ضروری است که...)، (محتمل است که...)، (می‌دانیم که...) و... وجه گفتاری گزاره‌های ایدئولوژی را مشخص می‌کنند. این ترکیبات در مقامات بر وجوه مختلف خبری، عاطفی، پرسشی و امری دلالت دارد اما وجه خبری، غالب است.

ج) شواهد گفتاری: آوردن شواهد گفتاری که برای باورهای ایدئولوژیکی است. در مقامات حریری بینامتنیت صورت واضحی دارد، به گونه‌ای که آیات، احادیث، موضوعات تاریخی و مثل‌های فراوانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ اما اشعار موجود در متن از آن راوی (حریری) است؛ شاهد متن: «به طرف سبزه زباله‌ها خم نشوید و از آن دوری کنید» (همان: ۹۱). تمثیل برای دوری از کسانی که ظاهری نیکو و باطنی فریبکار دارند.

د) طفره و ابهام: از پاسخ به پرسشی که نمی‌دانند، می‌گریزد؛ شاهد متن: «...من آنچه که شما را به شبهه انداخته است، نفی و انکار خواهم کرد و ترس و بیمی که برایتان پیش آمده است، از وجودتان بیرون خواهم کشید» (همان: ۱۴۷).

۳) نحو جمله: شیوه قرارگیری واژگان در متن به صورت جمله‌های مجهول/ معلوم، اسم، مبتدا و... است که در مقامات، بیشتر جملات با بسامد اسم و فعل معلوم و ارجاع‌های فراوان، گزارش و روایت شده‌اند.

۴) صورت‌های گفتمانی: برجسته‌سازی از طریق آرایش جملات به واسطه جایگاه

آن‌ها در ساختار و معنای گفتمان است که در مقامات حریری تلاش برای توجیه فقر و گدایی از طریق تکرار، چشم‌گیر است.

(۵) مباحثه: معمولاً بسیاری از ژانرهای گفتمان، ساخت‌های مباحثه‌ای دارند و بیان نقطه‌نظرات و دیدگاه‌های مختلف به مباحثه و مشاجره تبدیل می‌شود. در تمامی مقامات پنجاه‌گانه حریری، بین راوی و قهرمان و مخاطب (قاضی، حاکم، حاضرین و...) بحث و گفت‌وگو و گاه جدل وجود دارد.

(۶) بلاغت: منظور از بلاغت به کارگیری آرایه‌هایی از قبیل: اغراق، واج‌آرایی، تشبیه، کنایه، استعاره، تأکید بلاغی و... می‌باشد؛ شاهد متن: «با هر کس مباحثه و گفت‌وگو می‌کردم و از باران شدید (استعاره از علم زیاد) و خفیف، (استعاره از علم اندک) آب (استعاره از آگاهی) می‌خواستم» (همان: ۷۵).

(۷) نظام نوبت‌گیری: اعمالی همچون: مکث، قطع صحبت دیگران، خودنمودی و... که در متن‌های مخاطبه‌ای و گزارشی (مقامات)، کنش‌های دو طرفه‌ای را ایجاد می‌کنند. همه این اعمال و افکار که در مقامات، توسط راوی به قهرمان نسبت داده می‌شود، بستر ایجادِ مربع ایدئولوژیک است؛ زیرا راوی (حارث بن همّام) نماینده باورهای اجتماعی و قهرمان (ابوزید) نماینده باورهای شخصی است؛ این رویارویی، باعث می‌شود که عقاید در جامعه متن توزیع و تکرار شود؛ به همین دلیل در مقامات، قهرمان داستان‌ها در پی این است که با تکرار موضوعی به نام گدایی، اوضاع اجتماعی - معیشتی جامعه خود را به رخ بکشاند تا هم مردم و افکار عمومی به درک آن برسند و هم حکام و گروه‌های بانفوذ متوجه اوضاع اجتماعی تحت حاکمیت شوند. از طرف دیگر تعارض بین ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها (اندرز و اغوا) و نهی قهرمان توسط راوی و پافشاری قهرمان بر باور و خواسته‌های خود، واحدهای ایدئولوژیک ساز در مقامات هستند. راوی در پی تفسیر ارزش‌های خاص گروه محور است و قهرمان در پی توجیه ضد ارزش فرد محور مبتنی بر منافع شخصی است و هر دو سازنده باورهای ایدئولوژیک می‌باشند؛ به گونه‌ای که سروجی را نماینده ایدئولوژی (ما) و بی‌توجهان به ما را نماینده ایدئولوژی (آن‌ها) می‌خوانیم.

۳. بحث اصلی

۳-۱. مؤلفه‌های گفتمانی در مقامات حریری

متن مقامات حریری، موضوعات مختلفی از جمله: فقه و نحو و معما و شعر و... را شامل می‌شود که قهرمان متن در قالب یک گدا، از جایی به جای دیگر می‌رود و با سحر کلام، مردم را می‌فریبید و از آن‌ها طلب بخشش و گدایی می‌کند. این شخص در مقامات حریری «ابوزید سروجی» نام دارد و «حارث بن همام» به عنوان راوی، داستان خدعه و نیرنگ قهرمان را در موقعیت‌های مختلف روایت می‌کند. حریری نیز هر یک از مقامه‌ها را به اسلوبی بیان کرده‌است تا توانمندی ادبی، بلاغی و لغوی خود را به رخ دیگران بکشد. از طرف دیگر محتوای متن، نشان می‌دهد که مقامات، داستان ادبی صرف نیست؛ بلکه نویسنده تلاش کرده‌است تا شرایط بد اقتصادی و اجتماعی را پس از فروپاشی مرکزیت بغداد و پیدایش حکومت‌هایی که به ظاهر از حکومت بغداد اطاعت می‌کردند، به تصویر بکشد. این به ظاهر حاکمان، به وضعیت اقتصادی مردم اهمیتی نمی‌دادند و به تبع آن، گروه‌هایی به وجود آمدند که برای امرار معاش خود، به گدایی روی آوردند و ابوزید سروجی نقش چنین افرادی را ایفا می‌کرد.

مؤلفه‌های گفتمان‌ساز مقامات حریری با تکیه بر بُعد ایدئولوژیک قهرمان (ابوزید) در قالب توالی عمل گفتمانی و فعالیت‌های فراکلامی (Para Verbal)، می‌تواند موارد زیر باشد:

۱. راوی در آغاز معرفی می‌شود؛ شاهد متن: «حارث روایت کرد...» (همان: ۱۹۱).
۲. قهرمان به طور ناشناس وارد می‌شود؛ شاهد متن: «ناگهان فردی در برابرمان ایستاد که لباس کهنه‌ای پوشیده بود» (همان: ۸۱).
۳. قهرمان، ظاهر خود را تغییر می‌دهد؛ شاهد متن: «پیرمردی پدیدار گشت... درحالی که دو چشمش پوشیده بود» (همان: ۱۰۹).
۴. قهرمان به اندرز می‌پردازد و خود به آن عمل نمی‌کند؛ شاهد متن: «مراقب باش که درخشش سراب تو را فریب ندهد و هرگز به سوی کاری که دارای شبهه و اشکال باشد؛ روی نیاور!» (همان: ۱۰۸).

۵. قهرمان آزموده می‌شود و به این آزمون واکنش نشان می‌دهد؛ شاهد متن: «گفتند: این بیت از آن کیست؟... گفت: آن سخنِ گوینده با شماست» (همان: ۷۸).
۶. قهرمان، ادعای دروغ دارد. ابوزید خود را به ملوک غسان نسبت می‌دهد! «فیدعی تارة أنه من آل ساسان و يعتزى مرة ألي أقبال غسان» (همان، ۱۳۶۳: ۲۱).
۷. قهرمان به مناظره می‌پردازد و پیروز می‌شود؛ شاهد متن: «هنگامی که از خواندن رساله‌ای که یک حرف آن نقطه داشته باشد و حرف دیگر آن بی نقطه باشد، فارغ شد، در جنگ بلاغت، شجاعت و پیروزی‌اش آشکار گردید» (همان، ۱۳۸۷: ۱۰۶).
۸. قهرمان با سحر کلام دیگران را با خود همراه می‌کند؛ شاهد متن: «دعا کرد و در خورجینش کاغذهایی رنگی درآورد که در زمان فراغت آن‌ها را نوشته بود و... گفت آن‌ها را به ثروتمندان بده...» (همان: ۱۰۹).
۹. قهرمان درصدد فریب حاضران و ترک صحنه است؛ شاهد متن: «خودم را به کوری زدم تا بگویند او نایناست» (همان: ۱۱۳). «گویی که او را در آب برده یا به سوی پهنه آسمان برده‌اند» (همان: ۱۱۴).
۱۰. قهرمان توسط راوی شناسایی و با او همراز می‌شود؛ شاهد متن: «...هرگز تصور نمی‌کردم که مکر و فریب پنهان نماند... پس اگر مرتکب گناهی شده‌ام عذر مرا بپذیر» (همان: ۹۹). «ابوزید و پسرش... دو همراز آن شب من و منتسبان و صاحبان روایت آن قصه بودند» (همان: ۹۰).
- اعمال فوق تنها برای قهرمان، به شکل بسته‌های رفتاری باز شده‌است؛ زیرا مقامات از جمله متون تک قهرمان یا قهرمان واحد است. هرچند وجود عواملی، همانند کیفیت مشترک پردازش روایت در مقامه‌های مختلف، چرخش همه مقامات حول یک قهرمان و تحولات او، وحدت موضوع و محتوای مشترک مقامات را - هم به لحاظ هدف و موضوع و هم به لحاظ شکل - در ساختاری واحد به نمایش می‌گذارد اما وحدت عناصر به هم وابسته که هر عنصر بر عنصر دیگر دلالت می‌کند، در «تبخر خاص ابوزید در سخن‌دانی و تقابل آن با فرجام و عطف و سخنوری که به گدایی و حيله ختم می‌شود، نقش دارد و نوعی

تناقض را در شخصیت ابوزید به خواننده گوشزد می‌کند؛ تا آن جا که باعث شده‌است این شخصیت، چندگانه و متضاد در متن ظاهر شود» (بتلاب اکبرآبادی و صفایی سنگری، ۱۳۹۱: ۳۶)؛ این موضوع در تحلیل گفتمان انتقادی منجر به ایجاد تضادهای ایدئولوژیک می‌شود.

۳-۲. توصیف گفتمانی رفتارهای ایدئولوژیک قهرمان در مقامات حریری

جدول شماره ۱

نام مقامه	توصیف سیمای قهرمان	ترندهای بیانی قهرمان	محتوای بیان قهرمان	عمل گفتمانی قهرمان	عملکردهای متضاد
۱	صناعتیه	باریک اندام	مسجع و شاعرانه	پند و اندرز	توسل به حيله بعد از گدایی بر سر سفره‌ای با نان سفید و کباب و شراب می‌نشیند
۲	حلوانیه	ریشی انبوه و پوششی کهنه	صناعات ادبی	مجادله با دیوان (ابی‌عباده) در جمع حضار	گاهی خود را از خاندان ساسان (گدایان) می‌داند و گاهی از ملوک غسان و ...
۳	دیناریه	لباسی کهنه و بایی لنگان	مسجع و برگزیده	طلب کمک از دیگران	درعین سلامت، جسم خود را به لنگی می‌زند و در کلام به مدح و ذمّ دینار می‌پردازد
۴	دمیاطیه	پوششی مندرس	شعرخوانی با صدایی رسا و درشت	مجادله با پسرش	خُلف وعده می‌کند به گونه‌ای که به حضار و راوی می‌گوید برمی‌گردم اما برنمی‌گردد
۵	کوفیه	خمیده قامت و آشفته حال	ادعای سخنوری با «سحبان وانل»	ایجاد مشاعرۀ دروغین با پسرش	درحالی که خود را شاعر معرفی می‌کند به سحر و جادو می‌پردازد
۶	مراغیه	میانسال با نگاهی تیز و غضب آلود	جدل بلاغی به صورت فی البداهه	بیان رساله‌ای که یک کلمه آن با نقطه و کلمه دیگر بی نقطه	گدایی را برمی‌گزیند و سرپرستی دیوان انشای امیر را نمی‌پذیرد
۷	برقعیدیه	پوشیده چشم و عصا زنان به همراهی پیرزنی	بداهه سرایی	پند و اندرز	با اشعار رنگین حضار را مسحور می‌کند
۸	معریه	پیرمردی پرحرف و سفیدموی	بیامی رسا و شیوا	ابراز دانایی و ادب برای فریب قاضی (معره العثمان)	پنهان کردن نسبت خود با فرزندش و ادعای دروغین

نام مقامه	توصیف سیمای قهرمان	ترفندهای بیانی قهرمان	محتوای بیان قهرمان	عمل گفتمانی قهرمان	عملکردهای متضاد
۹ اسکندر په	پیرمردی زشت و خیب	سخنان آراسته دروغین	بیانی تشبیهی و محتوایی استعاری	ادعای هنر مرواریدبافی با تکیه بر بیان استعاری	با سحر کلام که در پی فریب قاضی و همسرش می‌باشد
۱۰ رجبیه	پیرمردی سپیدموی	سخنان تمثیلی	فریب امیر که زمینه فساد اخلاقی داشت	اتهام به فرزندش در نزدقاضی و تلاش برای آشکارکردن فساد اخلاقی امیر	امیر را فریب می‌دهد و خود را در خطر قضاوت قرار می‌دهد
۱۱ ساویه	پیرمردی پوشیده صورت	موعظه و توصیف	به اوصاف تشبیح کنندگان	یاد و ترسیم مرگ	به دیگران پند می‌دهد و خود عمل نمی‌کند
۱۲ دمشقیه	با نشان جوانان و لباس راهبان و تسبیح زنان	دعا و تعویذ و دروغ	اجتماع نقیضین آمزش و حرص	با دعا در پی توجیه گدایی و فریب دیگران است	دیگران را به دعا و طلب آمزش دعوت می‌کند و خود در پی افسون و دشنام و باده خواری است
۱۳ بغدادیه	در قالب پیرزنی با روبندی که سیمای پیرمردی‌اش را پوشانده است	با سحر کلام و روایات رنگین	با معرفی اصل و نژاد خود در پی توجیه گدایی است	وصف حال خود برای گدایی و ایجاد ترحم دیگران به خود	گاه در پوشش مردان و گاه در قالب شکل زنان ظاهر می‌شود
۱۴ مکبیه	پیرمردی کهنه پوش	بیان و کلامی حاذق	توصیف عجز و ناتوانی خود و فرزندش	بیان ناتوانی و مستمندی خود برای جلب توجه دیگران	هم‌ادبیبی حاذق و هم‌گدایی پر فریب است
۱۵ فرضیه	خمیده و خیس شده در باران	بیانی شیوا و معماگونه	گله از روزگار و ابراز ناتوانی و عجز	توجیه گدایی با دفاع از علم و ادب	گدایی و ادیب بودن
۱۶ مغربیه	جهانگردی که انبانی بر دوش دارد	بیان و کتابت شیوا و رنگین در قلب حروف	فریفتن حضار اینکه کودکانی گرسنه منتظر انعام شما هستند	سحرکلام و آوردن کلماتی که دارای صنعت قلب است، برای توفیق در گدایی	از طرفی خود را ادیبی حاذق و صاحب معرفت معرفی می‌کند و از طرف دیگر با حیله‌گری گدایی می‌کند
۱۷ قهقریه	پیرمردی که از قلم لاغرتر و از قیچی خشک‌تر و کهنه‌تر است	پاسخ به پرسش‌ها و معماگویی	موعظه و بیان رساله‌ای که اگر از آخر خوانده شود، معنایش عکس می‌شود	معماگویی و شگفت‌نویسی برای فریفتن حضار	درجایی گدایی می‌کند و دیگران را می‌فریبد و درجایی دیگر هدیه‌ی شاگردش را نمی‌پذیرد
۱۸ سنجاریه	پیرمردی گلدابوش	سرودن اشعار مسجع	ذم و مدح فرد سخن چین	به کمک تمثیل، دروازه کرم دیگران را بر روی خود باز می‌کند	به هجو و مدح سخن چینی به شکل اجتماع نقیضین می‌پردازد

نام مقامه	توصیف سیمای قهرمان	ترفندهای بیانی قهرمان	محتوای بیان قهرمان	عمل گفتمانی قهرمان	عملکردهای متضاد
۱۹	نصیبیه	پیرمردی که همچون دیوانگان اطراف شهر می گردد	بیان آهنگین	شکر بر سلامتی خود	از طرفی همچون افراد بیتوا در اطراف شهر پرسه می زند و از طرفی به عنوان میزبان از میهمانان خود پذیرایی می کند
۲۰	فارقیه	پیری سپید موی	سجع گویی و شعرخوانی	توصیف موضوعی خارج از محدوده اخلاق	به هر حیل‌های دست می زند که به نواله‌های از طریق گدایی برسد
۲۱	رازیه	پیرمردی خمیده پشت	بیانی نرم و سحر آمیز	پند و نصیحت	هم در جایگاه یک واعظ حاکمان را نصیحت می کند و هم خود را گدای درگاه آن‌ها می داند
۲۲	فرائیه	پیرمردی کهنه پوش	تبین وجوه افتراق انشا و استیفا	پند و اندرز با وجوه تفاریق بلاغت	از انس با حاضران گریزان است؛ ولی از پذیرفتن هدیه آنها خودداری نمی کند
۲۳	شعریه	پیرمردی زبان دراز با طبلسانی کوتاه	بیانی شیوا و بلیغ و استعاری	توضیح و تفسیر سرق‌ادبی با تبین سلخ و فسخ و مسخ کرده بود	در اشعارش فریب و اتهام را ذم می کند؛ اما در عمل آن را روا می دارد
۲۴	قطعیه	پیری شجاع با لباسی کهنه	بیانی ادبی و استعاری	توضیح نحو عربی	در اوج اعتبار علمی از دیگران انعام و کمک می خواهد
۲۵	کرجیه	پیرمردی خمیده قامت	با بیان و فصاحتی شبیه به اصمعی	بیان بدبختی برای ایجاد حس ترحم	در حالی نسب و اجداد خود را می ستاید، تن پوشی را از دیگران طلب می کند
۲۶	رقطائیه	پیرمردی با لباس نیکو و زیبا	بیان مسجع و ملتمز فن رقطاء	مدح امیر طوس	در آغاز روایت مقروض است و محکوم، اما در پایان روایت همدم والی می شود
۲۷	ویریّه	مردی در هیئت جهانگردان با ساز و برگ سفر	زبانی تیز و فصیح	وصف حال سفر و بیابان گردی	گاهی در هیئت جهانگرد است و گاهی در هیئت رمال و پیشگو و گاهی در هیئت دزد
۲۸	سمرقندیّه	مردی خطیب با ساز و برگ نماز	بیانی شیرین و ملتمز به عبارات بدون نقطه	توصیف و بیان قدرت خداوند و پیامبر (ص) و بیان آیاتی از قرآن	خطیب جماعت نمازگزار است و کوزه پر از شراب را در خانه نگهداری می کند

بررسی و تحلیل رفتارهای ایدئولوژیک قهرمان در مقامات حریری بر اساس مربع ایدئولوژیک ون‌دایک ۳۷۱

نام مقامه	توصیف سیمای قهرمان	ترندهای بیانی قهرمان	محتوای بیان قهرمان	عمل گفتمانی قهرمان	عملکردهای متضاد
۲۹	واسطیه	عصا به دست	خطبه خوانی با عبارات بدون نقطه	ستایش خداوند و پیامبر و توصیف راوی	دیگران را به راستی و صداقت دعوت می‌کند اما مست می‌کند و اموالشان را می‌دزد
۳۰	صوریه	پیرمردی خمیده و سفیدموی	فال‌گیری و سجع گویی	سپاس و ستایش خداوند و پیامبر (ص) و توصیه به انفاق	دیگران را به کسب رزق و روزی حلال توصیه می‌کند اما با گدایی، دیگران را می‌فریبید
۳۱	رملیه	لباسی پاره و نیمه برهنه	بیانی مسجع و شاعرانه	توصیف خطرات راه حج و مراسم آن	راوی دوست‌دار قهرمان و همراز اوست
۳۲	طیبیه	پیرمردی زانو بغل گرفته	بیان آهنگین و پاسخ به پرسش‌ها	اثبات ادعای خود در آداب‌دانی و مسلمانی و شرح احکام عملیه در اسلام	خود را در مقام فقاقت و دانشمندی نشان می‌دهد اما با تلبیس و دورویی هدیه و کنیز حاضران را می‌گیرد
۳۳	تفلیسیه	پیرمردی با دهان کج و لباسی پوسیده	زمزمه شعر	ترغیب مردم برای انعام و هدیه از طریق ظاهر سازی و دورغ	بدنش سالم است، اما خود را فلج جلوه می‌دهد
۳۴	زبدیه	پیرمردی نقاب‌دار	بیانی مسجع و آهنگین و رسا	تلاش در جهت فریب راوی و ترغیب او برای خرید برده‌ای کذایی	دیگران را به خوبی و صبر دعوت می‌کند؛ اما در پی حيلة دیگران است
۳۵	شیرازیه	پیرمردی کهنه پوش	بیان استعاری	استفاده از بیان استعاری برای جلب نظر حضار و گدایی از آنان	ناله سر می‌دهد که مستمندم اما در خانه‌اش شراب خانگی نگهداری می‌کند
۳۶	ملطیه	پیرمردی با تجربه و عالم	بیانی استعاری و معماگونه	تلاش در جهت فریب مردم با گفتن معماهای بی‌معنی	در جایی خود را عالم و همه چیزدان می‌داند و در جایی به قمار مشغول می‌شود
۳۷	صعدیه	پیرمردی با لباس پوسیده و اندامی لرزان	بیانی شیوا و شعرگونه	با پنهان کردن رابطه‌اش با فرزند، سعی در فریب قاضی دارد	به پسرش گفته است گدایی مایه پست فطرتی و فرومایگی است، اما خود گدایی می‌کند
۳۸	مرویه	پیرمردی با لباسی مندرس	ادیبانه و شمرده در مقابل امیر	تلاش در جهت ترغیب امیر به دادن هدیه	در جایگاه ادیبی سخن‌دان به گدایی و خواهش می‌پردازد

نام مقامه	توصیف سیمای قهرمان	تर्फندهای بیانی قهرمان	محتوای بیان قهرمان	عمل گفتمانی قهرمان	عملکردهای متضاد
۳۹ عمایه	پیرمردی فریاد زن	دعا خوانی و سجع گویی با بیانی استعاری	رفع نیاز از طریق رمالی و فالگیری	نقصان در ماندن و توانمندی در هجرت	در جایی سخن‌دان و پند دهنده است و در جایی رمالی می‌کند
۴۰ تبریزیه	پیرمردی که پارچه‌ای دور خود پیچیده است	بیانی محکمه‌پسند، استعاری و پر از تشبیه	توصیف آیین همسرداری	مدح و ستایش قاضی و تلاش برای اقناع او	قهرمان ابتدا همسر خود را محکوم می‌کند و بعد از بدبختی همسرش نزد قاضی می‌گوید
۴۱ تنسیه	سالخورده‌ای صاحب‌مجلس	زبانی مصرح و محکم و همراه پند و اندرز	بیم دادن انسان‌ها از پیری ودوری از آتش هوس	پند و اندرز و دعوت به نیکوکاری برای گدایی	مردم را به نیکوکاری دعوت می‌کند، ولی خود حيله می‌ورزد
۴۲ نجراتیه	پیرمردی فرتوت با دندان‌های زرد	زبانی تملق‌گو همراه با عبارات مسجع	اظهار دانایی با چیستان‌گویی و رسیدن به گدایی	تلاش در جهت نمایش دانایی خود و نادانی حضرار، از طریق بیان چیستان و معماگویی	از طرفی اظهار دانایی و آگاهی می‌کند و از طرفی گدایی و قمار را در پیش می‌گیرد
۴۳ بکرته	پیرمردی که پش و خواب‌آلود	سجع گویی و شعرخوانی	مجادله و مشاعره	بیان این نکته که رونق بازار ادب شکسته‌است و هنرمند باید گدایی کند	گاهی در جایگاه ادیبی مردم شناس و گاهی در پی توجیه گدایی است
۴۴ شتویه	پیرمردی تنها	سخنانی شعر گونه و کنایی	آوردن سخنانی دو پهلوی برای ایجاد تعجب در حاضران	نشان دادن قدرت ادبی خود برای گرفتن بخشش	ادیبی توانمند که گدایی می‌کند
۴۵ رملیه	پیرمردی که پش با دندان‌های زرد	بیانی کنایی و آهنگین	بیان موضوع اختلال در روابط زناشویی از طریق بیان کنایی	ایجاد ترحم برای رسیدن به انعام	روشنگر اذهان عمومی نشان می‌دهد؛ اما برای گدایی حيله گری را در پیش می‌گیرد
۴۶ حلبیه	پیرمردی بد خلق	بیانی آهنگین و مصنوع	محتوای اندرزی با ابیاتی که از دوطرف خوانده می‌شود	نشان دادن قدرت ادبی برای فریب اذهان عمومی	در جایگاه ادیبی که منتقد اجتماعی است؛ به گدایی می‌پردازد
۴۷ حجریه	پیرمردی با لباسی پاکیزه	مناظره بین ابوزید و جوان	ملامت و سرزنش همدیگر و در اوج نزاع	مناظره‌ای ملامت‌گونه و کاسب‌کارانه برای رسیدن به خواسته و گدایی	گاهی خشن و بی‌مروت است و گاهی مهربان و اندرزگو

نام مقامه	توصیف سیمای قهرمان	ترندهای بیانی قهرمان	محتوای بیان قهرمان	عمل گفتمانی قهرمان	عملکردهای متضاد
۴۸ حرامیه	پیرمردی کهنه‌پوش	کلامی فصیح و مسجع	خودستایی	بیان جملات اغراق‌آمیز در حق دیگران برای رسیدن به انعام	خود را بخشنده‌ای آبرودارمی‌داند، اما گدایی می‌کند
۴۹ ساسائیه	پیرمردی با دندان‌های زرد	کلمات آهنگین تمثیلی	نصیحت به گدایی	توجه گدایی و توصیه به گدایی	گدایی و فریب را هم خوب می‌داند و هم بد
۵۰ بصریه	فردی با لباس‌های کهنه و دندان‌های زرد	الفاظی محکم و غزاً	اغراق در توصیف بصره و مردمانش	ایجاد پایانی بسته بر مقامات با احساس پشیمانی	در جایی با توصیف شهر بصره از مردمانش خواسته‌ای طلب می‌کند و در جایی دیگر از کار خود پشیمان است

۳-۳. تحلیل آماری-محتوایی رفتارهای ایدئولوژیک در مقامات حریری

در مقامات حریری ۵ موضوع عیناً تکرار می‌شود که عبارتند از: (۱) راوی؛ (۲) قهرمان؛ (۳) گفتمان توجیه فقر و گدایی؛ (۴) ورود ناگهانی؛ (۵) خروج غیر قابل پیش‌بینی قهرمان. همچنین متن هر مقامه از ۴ طرح برخوردار است: (۱) توصیف سیمای قهرمان؛ (۲) تشخیص نوع بیان قهرمان؛ (۳) آشکار شدن محتوای بیانی قهرمان؛ (۴) ترسیم چرخه عمل گفتمانی قهرمان. این چهار طرح، پایه‌ای برای تبیین رفتارهای ایدئولوژیک و انصاف قهرمان به تضاد ایدئولوژیکی (نیم خوب، نیم بد) است. جدول شماره (۱) مبین این موضوع در جامعه متنی مقامات است. نیز می‌توان گفت که رعایت تقریبی ترتیب و توالی خطی و علی‌رخداده‌ها و عناصر داستانی که به شکل تصادفی تحت تأثیر زبان مصنوع ادبی قرار دارد، مقامات را صرفاً معطوف به بازی‌های زبانی و لفظی نمی‌داند؛ بلکه آن را در ساخت گسترده روایت، برای تبیین جهان‌بینی و ایدئولوژی، مورد پردازش قرار می‌دهد. البته باید بدانیم که مقامات حریری، پیش از آن که داستان باشد، متنی زبان محور است و حریری داستان و لوازم آن را در خدمت مباحث زبانی قراردادده است.

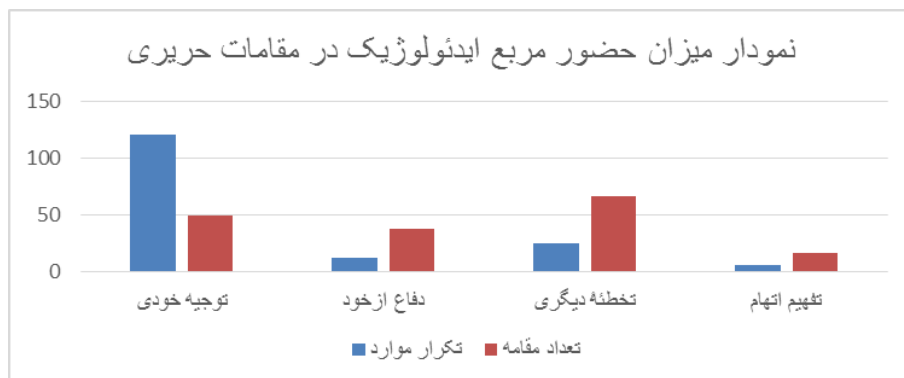
۳-۴. تبیین رفتارهای ایدئولوژیک بر اساس مربع ایدئولوژیک در مقامات حریری

توجه ون‌دایک به چهار رکن مربع ایدئولوژیک، قابل تأمل است. او مصرانه تأکید دارد که «این چهار رکن فقط در نزاع و تعامل و تضاد با گروه‌های مخالف به کار گرفته نمی‌شود؛

بلکه غالباً، آن‌گاه که درباره خود و یا دیگران فکر می‌کنیم، خودآگاه یا ناخودآگاه این چهار اصل بر تفکرات، احساسات و رفتارمان حاکم است» (ون‌دایک، ۱۳۹۴: ۴۴). در سطح تجربه فردی، هر کسی ممکن است هم‌زمان، خود را از نظر مبانی فکری و حتی اعتقادی و فرهنگی به چندین گروه و تشکیلات اجتماعی در قالب گروه‌پذیری، نزدیک ببیند. این گروه‌پذیری‌ها یا در پی نفی است یا در پی اثبات و چون این نفی و اثبات‌ها معمولاً به (من) و (آن‌ها) مربوط است، به چهار صورت انجام می‌گیرد و بسته یا مربعی را تشکیل می‌دهد که به مربع مفهومی ایدئولوژیکی مشهور است. اثبات خوبی خودی و بدی دیگری و نفی بدی خود و خوبی دیگری، نوعی خودستایی برای شناخت و رسیدن به هدف است که در مقامات حریری آشکارا جلوه‌گری می‌کند؛ البته در راستای توجیه جبر و جودی ایدئولوژی در نظریه ون‌دایک این امر بسیار طبیعی است. به نظر او تظاهرات متنی - زبانی و تأکیدهای مربع ایدئولوژیکی، برای رفع موانع تحلیل و رسیدن به گفتمان است و این تأکیدها چون با نفی و اثبات «ما» و «آن‌ها» همراه است، عامل و فاعل خود را به شکل‌های گوناگون نشان می‌دهند تا آن‌جا که گوناگونی شخصیت و عمل گفتمانی در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی منجر به بروز تضادهای ایدئولوژیکی می‌شود. زیرا «اعمال متضاد که صورت مبارزه‌ای با خود و یا دیگران دارد، می‌توانند رنگ ایدئولوژیکی به خود بگیرند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۴۷) و در بسته‌ای خاص به نام گفتمان، خود را نشان دهند.

۳-۵. میزان حضور مربع ایدئولوژیکی در متن مقامات حریری

نوع عمل	تعداد مقامه	تکرار موارد	مربع ایدئولوژیکی
توجیه خودی	۴۹	۱۲۰	میزان تأکید بر مثبت بینی اعمال خودی
دفاع از خود	۱۲	۳۸	میزان رفع تأکید بر منفی بینی اعمال خودی
تخطئه دیگری	۲۵	۶۶	میزان تأکید بر منفی بینی اعمال دیگری
تفهیم اتهام	۶	۱۷	میزان رفع تأکید بر مثبت بینی اعمال دیگری



نمودار شماره ۱

در توضیح نمودار فوق می‌توان گفت که قهرمان در تمامی مقامات جز یک مقامه (بصریه) درصدد توجیه مثبت‌بینی اعمال خود است و در ۱۲ مقامه با دفاع از اعمال منفی خود، ضرورت عمل را توضیح می‌دهد؛ همچنین در ۲۵ مقامه سعی در تخطئه کردن اعمال رقیب دارد و در ۶ مقامه تلاش کرده‌است که هم (به دیگری) تفهیم اتهام کند و هم مردم (خودی) را به روشنگری برساند و این همان تلاشی است که برای توجیه گفتمان فقر و گدایی و افشای بی‌توجهی حاکمان وقت به رفاه عمومی و اصحاب فرهنگ در سراسر کتاب انجام گرفته‌است. اما چون قهرمان در قالب‌های مختلف، مثل: پیرمردی نابینا، عیالوار، شاعر، خطیب، واعظ، معماگو، گدا، حيله گر و... ظاهر می‌شود و در پی به نمایش گذاشتن این ایدئولوژی‌ها با اعمال نیم‌خوب، نیم‌بد است، به تضاد ایدئولوژیک متهم و مبتلا شده‌است که می‌توان آن‌ها را در قالب‌ها و مدل‌های مشخص ارزش‌گذاری کرد. البته حریری به اهداف چندگانه نهفته در متن رسیده‌است؛ به گونه‌ای که در هر یک از مقامه‌های پنجاه‌گانه بررسی شده، به وضوح می‌توان پی‌برد که در پایان هر مقامه، خواننده به شناخت و رفع تردید می‌رسد یعنی قهرمان به مال از طریق گدایی و راوی به نمایش قدرت بلاغی از طریق سخن‌پردازی.

نتیجه

متغیر مستقل این مقاله، تحلیل گفتمان اجتماعی - شناختی ون دایک در قالب مربع ایدئولوژیک است که زبان را پایه‌ای‌ترین موضوع در گفتمان و بازگوکننده عمل اجتماعی برای شناخت می‌داند. از طرف دیگر مقامات حریری (متغیر وابسته)، مجموعه روایاتی است که هم بُعد زبان‌شناسی بسیار ظریف و پُر مصالحی دارد و هم محتوای آن حاوی ارزش‌های ایدئولوژیک و توجیه‌کننده همان چیزی است که ون دایک در توضیح نظریه خود بر آن تأکید داشته و زبان را بستر شناخت اجتماع دانسته است؛ پس این مقاله با هدف تبیین گفتمان فقر و گدایی و رفتارهای ایدئولوژیک قهرمان مقامات حریری، تلاش داشته که به پرسش‌هایی از این نوع پاسخ دهد: ۱) شیوه‌ی راوی در تبیین رفتارهای ایدئولوژیک قهرمان در متن مقامات چگونه است؟ ۲) هدف راوی از انتخاب چنین بیانی در متن چه بوده است؟ و براساس پژوهش انجام شده، فرضیه‌ها را این گونه اثبات کند:

۱) هر چند مؤلف مقامات (ابوالقاسم حریری) اهداف چندگانه هنرنمایی زبانی، نظیره‌گویی، بیان واقعیات جامعه و... را مد نظر داشته، اما توانسته است که عوامل ایدئولوژیک متن را با ترسیم ظاهری (بدل پوشی)، محتوای بیانی و عمل گفتمانی و تضادهای رفتاری که در لایه‌های پنهان متن عربی و در دل بسامد اندرز ریاکارانه و ادبیات اغواگرایانه قرار گرفته است، تبیین نماید و اعمال گفتمانی متضاد (نیم‌خوب، نیم‌بد) قهرمان را آشکار کند؛ زیرا پایه‌ای‌ترین موضوع در مقامات، بیان مکرر گفتمان فقر و گدایی است و حریری با روشنگری اجتماع، در پی افشای بی‌توجهی اربابان قدرت و حکومت به مردم و صاحبان هنر است و با زبان پند و اندرز مذهبی و ابزار بیانی سجع و بازنمایی زندگی خصوصی قهرمان، از طریق بدل پوشی و حيله‌گری، به چارچوب ایدئولوژی و باورهای مردم می‌آویزد تا آن‌ها را با خود همراه کند و با این اتفاق و اتحاد، بین حاکمان و مردم انشقاق به وجود آورد و قدرت پشتیبانی مردم از حکومت را کم کند و از این طریق به اهداف ایدئولوژیکی خود برسد. البته برخی از متون تاریخی و اجتماعی آن عصر بر این نکته صحه می‌گذارند که در قرن چهارم هجری - در شرایطی که عده کمی، از ثروت‌های

بی‌حد و حصر برخوردار بودند و امکانات رفاهی در اختیار آنان قرار داشت و اکثریت مردم جز گرسنگی و فقر بهره‌ای نداشتند - طایفه‌ای از گدایان حرفه‌ای به نام «ساسانین» به وجود آمدند که در قالب عباراتی مسجع و با سبکی خاص گدایی می‌کردند که شیوه تکدی این طایفه و سجع‌هایی که به کار برده‌اند، بر سبک مقامات بی‌تأثیر نبوده‌است؛ به همین دلیل قهرمان مقامات در قالب گدایی شیاد، با قیافه‌های متفاوت، در جاهای مختلف میان مردم ظاهر می‌شود و سخنان خود را با شعر می‌آراید و با حيله‌های گوناگون حاضران را سرکیسه می‌کند. این قهرمان می‌تواند نماد برخی از رجال متمول عصر خود و نیز تجسم عینی طایفه‌ای که گدایی را پیشه خود ساخته بودند، باشد؛ زیرا این دو گروه، بدون تحمل هیچ رنجی و به بهای قبول ننگی، کیسه‌های خود را از سیم و زر پر نموده‌اند و اگر موضوع مقامات بیشتر بر کُدیة بنا نهاده شده، شاید اعتراضی باشد به وضع اجتماعی که در عصر مورد نظر در ممالک اسلامی حاکم بوده‌است.

۲) هدف راوی از انتخاب چنین بیانی در متن، علاوه بر تبیین گفتمان فقر و گدایی و فرار از سانسور حکومتی به دلیل افشاگری و روشنگری عامه مردم در بی‌توجهی حاکمان وقت به فرهنگ و رفاه عمومی در عصر مربوط به خود، نشان دادن قدرت و تبحر زبان از طریق صناعاتی است که الزامات متعارف زبان را آشنایی زدایی کند و با اتخاذ رویکرد ادبی، شیوه ادراک خواننده را با خود همراه نماید و واکنش او را نسبت به حوادث داستان تحت تأثیر قرار دهد و او را تسلیم ادراک ادبی متن کند. او با این آشنایی زدایی، به جای تکیه بر نمایش داستان، خواننده را متوجه نمایش لغات می‌کند. گاه آن قدر در این امر اصرار دارد که زبان، مغلق و پیچیده می‌شود و تمام همّت خواننده مصروف گره‌گشایی از معانی جملات می‌گردد.

خلاصه، این مقاله می‌تواند سندی باشد بر اثبات این موضوع که مقامات حریری، سخنان یاوه برای سرگرمی عموم نیست؛ بلکه گفتمان افشای بی‌توجهی حاکمان وقت به رفاه عمومی و اصحاب فرهنگ است که حریری این گفتمان را در اعمال قهرمانی به نام ابوزید سروجی با ترسیم رفتارهای ایدئولوژیک نوعاً متضاد (نیم‌خوب، نیم‌بد) نشان داده‌است.

منابع و مآخذ

- ابراهیمی حریری، فارس. (۱۳۴۶). مقامه نویسی در ادب فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۶). فرهنگنامه ادبی فارسی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ (فرهنگ شناختی). تهران: مرکز.
- بتلاب اکبرآبادی، محسن و علی صفایی‌سنگری. (۱۳۹۱). «ساز و کار تعلیق در مقامات حریری». مجله زبان و ادبیات عربی. ش ۶. صص: ۳۷ - ۱۷.
- بهرام پور، شعبانعلی. (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف. تهران: فرهنگ گفتمان.
- حریری، قاسم بن علی. (۱۳۶۳). مقامات حریری. ترجمه علی رواقی. تهران: مؤسسه شهید محمد رواقی.
- _____ (۱۳۸۷). مقامات حریری. ترجمه طواق گلدی گلشاهی. تهران: امیرکبیر.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- مارتین، والاس. (۱۳۸۲). نظریه‌های روایت. ترجمه محمد شهبان. تهران: هرمس.
- مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر. تهران: فکر روز.
- مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۳). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر (ادبیات شفاهی). ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- ون دایک، تون. ای. (1394). ایدئولوژی و گفتمان. ترجمه محسن نوبخت. تهران: سپاه‌رود.
- Van Dijk, Teun A. (1993). "Principles of Critical Discourse Analysis", in Van Dijk, Teun A, Studies in Critical Discourse Analysis, special issue of discourse and society. 4(2). pp 249 – 283.
- _____ (1995). Ideological Discourse Analysis in New Courant (English Dept, University of Helsinki). 4 (95). pp 135-161.
- _____ (2001). " Multidisciplinary CDA: a plea for diversity " in Wodak, Ruth, Mayer, Michael, Methods of Critical Discourse Analysis, SAGE Publications Ltd: London: 95.

References

- Anoushe, Hasan. (1997). Farhangnameye Adabye Farsyi (Persian literary encyclopedia). Tehran: Printing and Publishing Organization.
- Ashoori, Dariush. (2001). Ta'rifha va Mafhome Farhang (Farhangshenakhti) (Definition and Concept of Culture") Identification Culture". Tehran: Center Publication.

- Bahram Pour, Shaban Ali. (2000). Moqadamei bar Tahlile Goftemane Enteghady Ferklaf (Introductoin to Fairclough's Creticol Discourse Analysis). Tehran: Cultur Discourse Publication.
- Batlab Akbar Abadi, Mohsen and Ali Safaei Sangari. (2012). Saz va Kare Ta'liq dar Maqamat Hariri (Suspension mechanism in Hariri authorities). Journal of Arabic Language and Literature. (Scientific-Research). No 6. pp 17 - 37.
- Ebrahimi Hariri, Fares. (1967). Maqame Nevisy dar Adabe Farsi va Ta'sire Maqamate Arabi dar an. (Writing in Persian Literaturi and the Influence in the Arab Authorities on it). Tehran: Tehran University Press.
- Fairclough, Norman. (2000). Tahlile Goftemane Enteqadi (Critical Discourse Analysis). Translator Group. Tehran: Center for Media Studies and Research.
- Hariri, Qasim Ibn Ali. (1984). Maqamat Hariri (Hariri's Authorities). Translated by Ali Ravaqi. Tehran: Shahid Muhammad Ravaqi Institute.
- _____. (2008). Maqamat Hariri (Hariri's Authorities). Translated by Tovaq Galdi Golshahi's. Tehran: Amir Kabir.
- Martin, Wallace. (2003). Nazariyehaye Revayat (Narrative Theories). Translated by Muhammad Shahba. Tehran: Hermes Publishing.
- Mcaric, Irnarima. (2004). Daneshnameye Nazariyehaye Adabiye Mu'asir (Adabyate Shafahy). (Encyclopedia of Contemporary Literary Theories) "Oral Literature". Translated by Mehran Mohajer and Muhammad Nabavi. Tehran: Agah.
- Meqdadi, Bahram. (1999). Farhange Estelahate Naghde Adabi az Aflaton ta A'sre Hazer (The Culture of Literary Criticism from Plato to the Present). Tehran: Thought of the day.
- Van Daijk, Teun. A. (2015). Ideology va Gofteman (Ideology and Discourse). Translated by Mohsen Nobakht. Tehran: Siyahrood.
- _____. (1993). "Principles of Critical Discourse Analysis", in Van Dijk, Teun A, Studies in Critical Discourse Analysis, special issue of discourse and society. 4(2). pp 249 – 283.
- _____. (2001). «Multidisciplinary CDA: a plea for diversity» in Wodak, Ruth, Mayer, Michael, Methods of Critical Discourse Analysis, SAGE Publications Ltd: London: 95 .
- _____. (1995). Ideological Discourse Analysis in New Courant (English Dept, University of Helsinki). 4 (95). pp 135-161.